

# An Analysis of the Meaning of the Word "Halū'" in the Verse "Indeed, Man Was Created Halū'an" in Persian and English Commentaries and Translations

Vafadar Keshavarzi<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Quranic interpretation and sciences, University of Holy Quranic sciences, Qom, Iran.

[keshavarz@quran.ac.ir](mailto:keshavarz@quran.ac.ir) / <https://orcid.org/0000-0003-4745-4053>

*Scientific  
article*

**Received**  
2024/07/21

**Accepted**  
2025/01/11

**Abstract:** The word "Halū'" in the verse "Indeed, man was created Halū'an" (Quran 70:19) is one of those terms for which Persian and English translators and commentators have not provided a unified meaning. The interpretations and translations of this word in exegetical works include: greedy, impatient, extremely restless, unsettled by grief, arrogant, weak, sorrowful, stingy, hasty, ignorant, and unstable when driven by instincts. Some commentators and translators have also interpreted this word in light of the two subsequent verses. Beyond lexical sources, numerous narrations (Hadiths) explain this term, requiring further examination. Key questions arise: What do linguists say about this word? How has its meaning evolved historically in exegeses and translations? And which interpretation is most plausible? This study employs a descriptive-analytical method, examining early and modern lexical sources, the historical development of exegeses, and Hadith analysis to determine the reasons behind differing translations and to propose the most accurate meaning. The findings suggest that "Halū'" in this context best denotes a lack of self-restraint and impulsive emotional or behavioral reactions when overwhelmed by grief or joy—a meaning applicable both within and beyond the Quranic text.

**Keywords** Halū', Surah Al-Ma'ārij, exegesis, translation, greedy, impatient, impulsive

**DOI** [10.22051/tqh.2025.47798.4238](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47798.4238)

**Publisher** Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran



## بررسی معنای واژه «هلوع» در آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» در تفاسیر و

### ترجمه‌های فارسی و انگلیسی

#### وفادار کشاورزی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

<https://orcid.org/0000-0003-4745-4053/> .[keshavarz@quran.ac.ir](mailto:keshavarz@quran.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
---------------	-------

واژه «هلوع» در آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» از واژگانی است که مترجمان فارسی و انگلیسی و مفسران معنای واحدی از آن ارائه نداده‌اند معنای که در تفاسیر و ترجمه‌ها برای این واژه ذکر شده است عبارتند از: حریص، بی‌تاب، سخت بی‌تاب، بی‌قرار از اندوه، متکبر، ضعیف، اندوهگین، بخیل، عجول، جهول و بی‌ثبات به هنگام جنبش غرایز. همچنین برخی از مفسران و مترجمان این واژه را با مضمون دو آیه بعد از آن ترجمه و تفسیر نموده‌اند. علاوه بر آنچه در منابع لغت در معنای این واژه آمده است، روایات فراوانی نیز در توضیح آن وارد شده که نیازمند بررسی و تحلیل است. پرسش این است که دیدگاه واژه‌پژوهان درباره این واژه چیست؟ سیر تاریخی معنای آن در تفاسیر و ترجمه‌ها چگونه بوده و کدام معنا مرجح است؟ این پژوهش با بررسی منابع لغوی متقدم و متأخر، سیر تاریخی تفاسیر و تحلیل روایات با روش تحلیلی توصیفی و با هدف دستیابی به علل اختلاف ترجمه‌ها و ارائه معنای صحیح این واژه صورت پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد که معنای عدم خویشتن‌داری و بروز احساسات و رفتارهای شتابزده هنگام چیرگی اموری که موجب اندوه یا خوشحالی می‌شود، برای واژه «هلوعا» در آیه مورد بحث مناسب‌تر است و این معنا را می‌توان در تمام کاربردهای آن در خارج از متن قرآن نیز به کار بست.

صص

۱۷۶-۱۴۷

نوع مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۴-۳۱

پذیرش:

۱۴۰۳-۱۰-۲۲

کلیدواژه‌ها: هلوع، سوره معارج، تفسیر، ترجمه، حریص، بی‌تاب، شتابزده

[10.22051/tqh.2025.47798.4238](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47798.4238)

DOI

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناشر



## ۱. مقدمه

از جمله آیاتی که مترجمان و مفسران در معنا و تفسیر آن اختلاف نظر داشته‌اند، آیه ۱۹ سوره معارج است. در این آیه انسان متصف به «هلع» شده است. علاوه بر آن دو صفت «جزوع» و «منوع» نیز در ادامه برای انسان ذکر شده که ممکن است در فهم معنای هلوع کمک کننده باشند. خداوند در این آیات می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (المعارج: ۱۹-۲۱). سپس از صفات هلع، جزع و منع گروهی نیز مستثنی شده‌اند که عبارتند از: نمازگزارانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند و در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است؛ کسانی که روز جزا را باور دارند؛ آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند؛ کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند؛ کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را مراعات می‌کنند و آنان که بر شهادت‌های خود ایستاده‌اند (المعارج: ۲۲-۳۴).

گاه به نظر می‌رسد خطاهایی در ترجمه و تفسیر برخی واژگان رخ داده که منشأ برخی از این اشکالات، عدم تبیین صحیح به کارگیری قواعد و اصول مربوط به فهم معناست (کافی موسوی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۶). از این رو در تفاسیر قرون مختلف و همچنین در ترجمه‌ها، معانی متعددی برای این واژه ارائه گردیده است. برای خوانندگان در مواجهه با این معانی، سؤالات گوناگونی پیش می‌آید که در ادامه به برخی از سؤالات اشاره داشته و تلاش می‌شود پاسخی درخور به آن‌ها داده شود. روایاتی نیز که حامل این معانی متفاوت است در منابع روایی و تفسیری فریقین نقل شده که بررسی سندی و دلالتی آن‌ها ضرورت دارد.

این پژوهش جهت پاسخ به این سؤالات صورت گرفته است که دیدگاه واژه‌پژوهان در معنای «هلوع» چیست؟ با توجه به معانی متعدد واژه‌پژوهان از واژه آیا می‌توان به معنایی واحد رسید؟ آیا این واژه یا مشتقات آن در ادبیات جاهلی وجود داشته است؟ اگر پاسخ مثبت است آیا بین معنای قرآنی واژه با کاربرد جاهلی آن قرابت و مشابهت وجود دارد؟ آیا مستند روایی در معنای «هلوع» وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است کدام روایت مرجح است؟ سیر تاریخی معنای این واژه در نزد مفسران قرآن در ادوار مختلف و اهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی چگونه بوده و ایشان در

معنای آن بیشتر تحت تاثیر ادبیات جاهلی، دیدگاه واژه پژوهان یا روایات قرار گرفته‌اند؟

پژوهش پیش رو به منظور بررسی معنای واژه هلوع و یافتن علل اختلاف معنای این واژه قرآنی صورت گرفته است. در همین راستا در ابتدا تحلیل ادبی واژه صورت می‌پذیرد، سپس سیر تاریخی معنای واژه در تفاسیر از قرن دوم تا دوره معاصر بررسی شده و در اثنای آن روایاتی که حامل معنای «هلوع» است نقد و تحلیل می‌شود. بعد از این مرحله ترجمه‌های فارسی و انگلیسی از آیه ارائه و در نهایت به ترجمه‌ی پیشنهادی ختم می‌گردد.

لازم به ذکر است که در انتخاب ترجمه‌ها سعی گردیده مهمترین ترجمه‌های فارسی و انگلیسی انتخاب و بررسی شود.

## ۲. پیشینه

درباره پیشینه بحث علاوه بر دیدگاه‌هایی که مفسران ذیل این آیه ارائه داده‌اند، پژوهش‌های دیگری نیز صورت گرفته است. از جمله: ۱. مقاله «معناشناسی واژه «هلوع» با نگاه تطبیقی از منظر شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی»<sup>۱</sup> که در آن به آرای شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله جوادی آملی درباره صفت هلع در انسان پرداخته شده و این نتیجه به دست آمده که این آیه در واقع سرشت و حالت اولیه انسان را بیان می‌کند نه حالت اکتسابی وی را. نویسنده تأکید می‌کند اگرچه شهید مطهری، اصل خلقت انسان بر پایه‌ی «صفت هلعیت» را برای او کمال می‌داند، آیت‌الله جوادی آملی معتقد است کمالی که فقه و دین آن را به رسمیت می‌شناسد، در تقرب به خدا و مظهریت انسان برای ذات اقدس اله است. با این حال، دیدگاه‌های دو مفسر در تعارض با یک دیگر نیست؛ زیرا مراد شهید مطهری از این نوع کمال، کمال آلی و مقدمی است؛ اما آیت‌الله جوادی آملی به کمال حقیقی اشاره کرده است؛ ۲. مقاله «نقد آراء مفسران درباره واژه «هلوع» در آیه ۱۹ معارج»<sup>۲</sup>، نویسندگان با طرح این سؤال که آیه مذکور در مقام ذمّ انسان است یا در مقام مدح او یا به امر

۱. شریفی، محمد و براریان مرزونی، رقیه (۱۳۹۹)، *مطالعات اسلامی معاصر*، ۲(۲)، صص ۲۳۱-۲۴۳.

۲. حلیمی جلودار، حبیب‌الله و براریان مرزونی، رقیه (۱۳۹۶)، *مطالعات تفسیری*، ۸(۳۱)، صص ۲۵-۴۲.

دیگری اشاره دارد به این نتیجه رسیده‌اند که صفت «هلوع» از ابزار کمالی است که خدای سبحان در انسان تعبیه نموده است، به طوری که با تأمل در لفظ «خُلِقَ» که ناظر بر تکوین انسان است و با تأکید بر سیاق آیات، می‌توان بسیاری از کمالات انسانی از جمله فداکاری، انفاق و ... را در گرو حرص ذاتی انسان، اثبات نمود. ۳. مقاله «تحلیلی نو از معنای لغوی و تفسیری واژه تک آمد «هلوع» در قرآن»<sup>۱</sup>، نویسندگان مقاله از طریق بررسی‌های لغوی و بررسی ارتباط هلوع با جزع و منع به این نتیجه رسیده‌اند که معنای محوری هلوع، «خالی بودن درون از منبع قوت» است که از طرفی با ضعف و سستی همراه است و از طرف دیگر در دو شاخه «سبکی» و «گرسنگی شدید» سر برمی‌آورد. هریک از این دو، با نوعی بی‌قراری و حرکت همراه است و در حضور عوامل شتاب‌دهنده، نمودهای مختلف سرعت، جدیت، مبالغه و ... در این ماده تجلی می‌یابد. هلوع در قرآن، درباره انسان تهی از ایمان و مضطرب به‌کاررفته و ناظر به مبالغه و شدت عمل او در شر و خیر است؛ یعنی، مستقیماً به معنای جزع و منع ارتباطی ندارد. بنابراین با حضور عوامل تشدیدکننده‌ای همچون حرص به مال دنیا و ترس از فقر، به هنگام احساس شر و خیر، اضطراب و بی‌قراری انسان در شکل مبالغه و افراط در جزع و منع ظاهر می‌شود؛ ۴. مقاله «نقد و بررسی دیدگاه مفسران در توصیف انسان به هلوع»<sup>۲</sup> که در آن از میان معانی مختلف، معنای حریص برای واژه هلوع انتخاب شده و به این نتیجه دست یافته که وجود این وصف در انسان به خودی خود ردیلت یا فضیلتی برای او نیست؛ بلکه این وصف با توجه به متعلق ارادی آن می‌تواند فضیلت‌ساز یا فضیلت‌سوز باشد.

مقاله حاضر با آثار یاد شده از چند جهت متمایز است: یکی از این جهت که سیر تاریخی این واژه در منابع لغوی و همچنین در ادبیات عصر جاهلی و مخضرمین بررسی گردیده و دیگر این که سیر تاریخی واژه در تفاسیر قرن دوم تا عصر حاضر

۱. مصطفایی، محمد و سلمان زاده، جواد (۱۴۰۰)، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۸ (۱۵)، صص ۱-۲۹.

DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.9.1

۲. شیرافکن، محمدحسین؛ نقیب زاده، محمد و اشرفی، امیررضا (۱۳۹۴)، *قرآن‌شناخت*، ۸ (۱) پیاپی ۱۵،

همراه با تحلیل روایات نیز مورد مذاقه واقع شده است. و نهایتاً بررسی آن در مهمترین ترجمه‌های فارسی و انگلیسی معاصر صورت گرفته است.

### ۳. بررسی ماده «ه-ل-ع» در لغت‌نامه‌های عربی

فراهیدی «هَلَع» را حرص زیاد و هُلوع را بی‌تابِ حریص معنا کرده است. وی هیئت مجرد فعلی هَلَع را «صبرش کم گردید» و هیئت مزید اَهْلَعنی را «مرا بی‌تاب گرداند» معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۷). ابن فارس برای ماده‌ی «ه ل ع» یک اصل قائل است که دلالت بر شتاب و تند و تیزی دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۶۲). وی هَلَع را برای انسان حالتی شبیه حرص می‌داند و لذا «رجل هُلوع» را به مردی گویند که حالتی شبیه حرص دارد. ابن فارس از ابن سکیت عبارت «رجل هُلَعَة» را مردی معنا کرده است که زود بی‌تاب می‌شود (همان). همچنین واژه‌ی هِبَلع را به معنای پرخور، ترکیبی از هلع و بلع به معنای حرص و خوردنی آورده است (همان). ماده‌ی «ه ل ع» به معنای حرص و بی‌تابی در سخن ابن فارس به صراحت بیان نشده است، درحالی‌که معنای شتاب و تند و تیزی را برای این ماده اصل دانسته است. شاید از واژه‌ی هِبَلع که به معنای پرخور آورده، بتوان استنباط کرد که در نظرش این ماده حرص نیز معنا می‌دهد. ابن درید هلع را بدترین بی‌تابی ذکر کرده است (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۲۰۴)، فیومی نیز همین معنا را آورده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۳۹). صاحب‌بن عبّاد هلع را شدت حرص و بی‌تابی معنا کرده است (۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۴). وی از مشتقات این ماده هلیع را ضعیف معنا کرده است (همان). ابن سیده هلع را حرص دانسته و با لفظ قیل معنای بی‌تابی را آورده است. مشخص است در نظر ابن سیده معنای بی‌تابی مقبول نبوده و گرنه دلیلی نداشت که آن را با لفظ «قیل» بیاورد که حکایت از قولی ضعیف است. در لسان العرب علاوه بر معانی مذکور به نقل از مبرّد آورده است که «رجل هُلوعٌ إذا كان لا یصبرُ علی خیرٍ و لا شرٍّ حتی یفعل فی کلِّ واحدٍ منها غیرَ الحقِّ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۷۵)، یعنی انسان هُلوع کسی است که زمانی که خیر یا شرّی به وی رسد صبر نمی‌کند و شتابزده عمل می‌کند بدون اینکه راه حق و صواب را انتخاب نماید. حسن جیل معنای محوری این واژه را خالی بودن درون از منبع قوّت دانسته

و معانی دیگری همچون حرص، جزع، بی‌تابی یا بی‌تابی شدید را معناهایی جزئی می‌داند که این معنا آنها را به هم پیوند می‌دهد ( جبل، ۲۰۱۰م، ص ۲۳۱۴). در /التحقیق نیز علاوه بر معانی مذکور، معنای اصلی این ماده تمایل به تنعم و لذت بردن ذکر شده است ( مصطفوی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۶۹).

به طوری که ملاحظه گردید واژه پژوهان در معنای ماده‌ی «ه ل ع» اتفاق نظر نداشته‌اند و این ماده از آغاز معرکه آراء آنان بوده است. در ادامه این ماده و مشتقاتش در ادبیات جاهلی و مخضرمین \_ با اعتقاد به دیدگاه اغلب تحلیلگران مبنی بر اصالت ادب جاهلی و مخضرم \_ بررسی می‌شود تا شاید به درک معنای دقیق آن کمک کند.

#### ۴. بررسی ماده «ه ل ع» در شعر جاهلی و مخضرم

در شعر دوره جاهلی از این ماده تنها واژگان هَلَع و هِلْوَاع به کار رفته است. در شعر  
تَأْبَطُ شَرًّا مِیْ خَوَانِیْمِ:

وَلَا هَلَعٍ لَاعٍ إِذَا الشُّوْلُ حَارَدَتْ      وَضَنْتُ بِبَاقِي دَرِّهَا الْمُتَنَزِّلِ (تابط شراً، ۱۴۰۴ق،  
ص ۱۷۵)

الف. بیتابِ بیمناک نیستم آنگاه که شتران بی‌شیر می‌شوند و در بخشیدن ته مانده شیرشان بخیلند.

ب. حریصِ بیمناک نیستم آنگاه که شتران بی‌شیر می‌شوند و در بخشیدن ته مانده شیرشان بخیلند.

همچنین از این ماده واژه هِلْوَاع صفت چابک و تیزرو برای حیوانات آمده است. به عنوان مثال در شعر صَيْفِي بْنِ الْأَسْلَتِ:

وَأَقْطَعُ الْخُرْقَ يُخَافُ الرَّدَى      فِيهِ عَلَى أَدْمَاءِ هِلْوَاعِ (ابن‌الاسلت، ۱۳۹۱ق،  
ص ۸۱)

بیابان بی‌آب و گیاه را که در آن هراس از مرگ وجود دارد، سوار بر شتری سپید و تیزرو می‌پیمایم.

و در شعر مُسَيَّبِ بْنِ عَلَسِ:

صَكَاءَ دِعْلَبَةٍ إِذَا اسْتَدْبَرْتَهَا      حَرَجٍ إِذَا اسْتَقْبَلْتَهَا هِلْوَاعِ (ابن‌علس،

۴۲۳ق، ص ۹۴)

اگر از پیش و از پس به آن (شتر) بنگری، آن را توانمند، باریک اندام و تیزرو می‌بینی.

به طوری که ملاحظه گردید با تتبع نگارنده از این ماده در ادبیات جاهلی تنها سه مورد یافت گردید که در شعر تَأْبَطُ شَرًّا واژه «هَلَع» آمده است. در این بیت دو معنای حریص و بی‌تاب را می‌توان برای این واژه فرض کرد. اگر «هَلَع» به معنای حریص باشد گوینده خود را از حرص مبرا می‌کند، از این جهت که اگر شترانش بی‌شیر شوند حریص بر شیر آنان نیست و اگر «هَلَع» به معنای بی‌تاب باشد نیز گوینده خود را از بی‌تابی به خاطر خشک شدن شیر شتران مبرا می‌کند. هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که در این بیت یکی از دو معنا بر دیگری ترجیح داده شود. از طرف دیگر هر دو معنا مؤید نصوص لغوی دارد، از این جهت که ابن‌درید «هَلَع» را بی‌تاب معنا کرده است (ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۲۰۳) و ابن‌فارس «هَلَع» را حریص معنا کرده (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۶۲). این دو واژه‌پژوه از متقدمین هستند و تقریباً هم‌عصر. بی‌شک معنای حریص با بی‌تاب متفاوت است و به گونه‌ای نیست که قرابت معنایی داشته باشند. در دو شاهد دیگر از اشعار جاهلی این ماده به معنای تیزرو و چابک آمده است. این معنا مطابقت دارد با آنچه ابن‌فارس در معنای اصل این ماده آورده بود. با توجه به توضیحات فوق درباره بیت اول، اشعار جاهلی کمک‌چندانی در معنای دقیق این ماده نمی‌کند؛ زیرا مشتقات این ماده در معنای مورد بحث فقط در همین ابیات آمده است.

در شعر مخضرم نیز مشتقات این ماده کم‌کاربرد است. به عنوان نمونه در شعر عَمْرُو بْنُ مَعْدِي كَرِبَ الزُّبَيْدِيَّ آمده است:

کم من أخ لي ماجد      بوأته بیدی لحدا

ما إن جَزَعْتُ وَلَا هَلَعُ      تْ وَلَا يَزُدُّ بُكَايَ زَنْدَا (الزبیدی، ۱۴۰۵ق، ص ۸۲)

چه بسیار برادران بزرگواری که با دستانم ایشان را به گور سپردم، هرگز بی‌تابی و ناشکیبایی نکردم و اندکی هم اشک‌هایم بیرون نیامد.

ابن‌عاشور با توجه به این بیت شعر می‌گوید: اگر هلع همان جزع باشد، در این بیت عطف آن به جزع صحیح نیست. حتی اگر به معنی شدیدترین جزع هم باشد

عطف نفی آن بر نفی جزع، حشو است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۱۵۴). توضیح بیشتر دیدگاه ابن عاشور در بخش تفاسیر خواهد آمد.

و در شعر عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ:

إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا نَابَتْهُ نَائِبَةٌ لَمْ يَبْدُ مِنْهُ عَلَى عِلَاتِهِ الْهَلْعُ (ابن‌ابی‌طالب،

۱۴۲۶ق، ص ۱۰۲)

انسان کریم اگر گرفتار مصیبتی گردد، به خاطر اتفاقات، بی‌تابی از وی سر نمی-

زند.

همانگونه که مشاهده گردید ماده این واژه در ادبیات جاهلی و مخضرم ظاهراً به معنای حریص بودن و بی‌تابی و ناشکیبایی کردن به کار رفته است، هر چند که هلوع به عنوان صفت چالاکی و تیزروی برای حیوانات نیز کاربرد داشته است.

## ۵. بررسی تفاسیر

واژه «هلوع» در تفاسیر با معانی گوناگونی آمده است که در ادامه به بررسی این معانی در ادوار مختلف می‌پردازیم.

### ۵-۱. قرن دوم و سوم

تفسیر مقاتل به عنوان تنها تفسیر قرن دوم «هلوعاً» را «ضجراً» به معنای بی‌قرار از اندوه معنا کرده است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۳۷). در قرن سوم از مفسران شیعه قمی «هلوعاً» را به معنای «حریصاً» دانسته است (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۸۶). فراء نیز مانند مقاتل «هلوعاً» را «ضجوراً» معنا کرده است (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۱۸۵). ابن‌قتیبه و ابو عبیده «هلوعاً» را بی‌شکیب و بی‌تاب معنا کرده‌اند (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۱۴؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۷۰). صنعانی در معنای «هلوعاً» دو روایت نقل کرده است: یکی از قتاده به معنای بی‌تاب و دیگر از حسن به معنای حریص (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۵۴). نهایتاً تستری «هلوعاً» را این گونه معنا کرده است: «مقلباً فی حركات الشهوات و اتباع الهوی» یعنی بی‌ثبات به هنگام جنبش‌های غریز و پیروی از هوس‌ها (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۷۷).

به طوری که ملاحظه گردید مفسران قرن دوم و سوم معنای واحدی از «هلوعاً» بیان نداشته‌اند؛ برخی «بی‌تاب» و برخی «حریص» و برخی هر دو را آورده‌اند. نکته قابل توجه تفسیر عبدالرزاق صنعانی است که هر دو معنا را مستند به روایت کرده است. تستری با توجه به گرایش عرفانی خود تفسیر باطنی از «هلوعاً» ارائه داده است.

## ۵-۲. قرن چهارم

قرن چهارم بیشتر شاهد شرح و بسط معنای «هلوعاً» و کثرت روایات هستیم. ابن‌ابی‌حاتم می‌گوید: عکرمة از ابن‌عباس درباره معنای «هلع» پرسید که ابن‌عباس در پاسخ گفت هلوع یعنی: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً» (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۳۷۴). در این روایت که بدون سند است و تنها در تفسیر ابن‌ابی‌حاتم آمده است، ابن‌عباس هلوع را با ذیل آیه معرفی می‌کند که عبارت است از شخص بی‌تاب در زمان سختی و بخیل در زمان نعمت. گویی این آیه خاص بعد از عام است یا به نوعی تفسیر آیه قبل است. سمرقندی تعبیر «حریصاً ضجوراً بخيلاً ممسكاً فخوراً» برای «هلوعاً» آورده است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۹۶). در بیان سمرقندی «فخوراً» به معنای متکبر اضافه گردیده است. این معنا قابل تأمل است که انسان متکبر خلق شده باشد. طبرانی و ابن‌وهب نیز تعبیری شبیه سمرقندی به کار برده‌اند که گویی نوعی رونوشت از یکدیگر است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۳۴۹؛ ابن‌وهب، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۳۷).

اختلاف معنای این واژه در این قرن مورد توجه مفسران بوده است به طوری که ماتریدی و طبری به آن اشاره داشته‌اند. ماتریدی می‌گوید در تأویل «هلوعاً» اختلاف نظر است و وجوهی ذکر گردیده که همگی به یک معنا باز می‌گردد و آن معنا تمایل به لذت‌ها و فرار از رنج‌هاست (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۲۰۴). وی به طور مبسوط به توضیح «هلوعاً» پرداخته و ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف، همین معنا را پذیرفته است.

از مفسران قرن چهارم، طبری روایات بیشتری نقل کرده که به توضیح و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم. طبری خود «هلوعاً» را به معنای شدت بی‌تابی همراه با شدت

حرص و صفتی برای انسان کافر می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۴۹) به نوعی طبری بین معانی بی‌تابی و حرص جمع کرده است. این که طبری بر چه اساسی «هلوعاً» را صفت برای انسان کافر دانسته شاید مستنبط از روایات است. وی می‌گوید طبق تفسیری که من ارائه دادم اهل تأویل نیز بر همین نظر هستند. سپس روایاتی را در تأیید سخن خود می‌آورد.

طبری هشت روایت را نقل می‌کند که در سه روایت از ابن عباس، سعیدبن جبیر و ضحاک «هلوعاً» به معنای بی‌تاب و حریص، در سه روایت از شعبه و حصین به معنای حریص، در دو روایت از ابن‌زید و قتاده به معنای بی‌تاب و یک روایت از عکرمة به معنای «ضجور» آمده است (همان).

به غیر سند روایت شعبه و حصین که اشتراکاتی دارد و ظاهراً هر سه روایت به شعبه برمی‌گردد، سندهای بقیه روایات اشتراکاتی ندارند. تنوع سند و معنا از اختلاف دیدگاه در بین تابعان در معنای این واژه نشان دارد. روایات یا موقوفند یا مقطوع و هیچ کدام به معصوم نمی‌رسد. همچنین دارای تعارض هستند. در برخی فقط حریص و در برخی دیگر فقط بی‌تاب ذکر شده است.

در روایت ابن‌عباس اشاره دارد که صفت «هلوعاً» به اهل شرک تعلق دارد (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۳۷۴). احتمالاً طبری بر اساس این روایت و یا بر اساس سیاق کلام، «هلوعاً» را صفت انسان کافر دانسته است. منحصر کردن «هلوعاً» برای انسان کافر و مشرک از ظاهر آیه بر نمی‌آید و با اسم جنس «الانسان» سازگاری ندارد. احتمالاً این از اجتهادات تفسیری ابن‌عباس است.

### ۵-۳. قرن پنجم

اوج اختلاف دیدگاه‌ها درباره‌ی معنای «هلوعاً» در قرن پنجم است که دو تفسیر *النکت والعیون* ماوردی و *الکشف والبیان* ثعلبی بیش از دیگر تفاسیر این قرن به آن دامن زده‌اند.

ماوردی برای «هلوعاً» شش معنا بر اساس شش روایت مرسل بیان داشته است که عبارتند از: بخیل از حسن، حریص از عکرمة، ضجور (دل‌تنگ) از قتاده، ضعیف از

ابوالغیاث، سخت بی تاب از مجاهد و قول ششم از ابن عباس است که می گوید هلوماً به معنای دو آیه بعد «اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ...» است (ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۹۴). چند نکته در دیدگاه ماوردی قابل توجه است. نکته اول این که در سخن ایشان از ابوالغیاث «هلوماً» را به معنای ضعیف معنا کرده که این معنا نه در تفاسیر قرون قبل آمده و نه هیچ روایتی دال بر آن در منابع روایی وجود دارد. فقط صاحب بن عبّاد ذیل توضیح ماده هلع، از مشتقات این ماده هلیع را ضعیف معنا کرده است (۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۴). این معنا برای اولین بار در این تفسیر بیان شده است. مضاف بر مطالب فوق سند این روایت نیز مفقود است و سلسله سند به ابوالغیاث مشخص نیست.

نکته دیگر این که ماوردی از حسن نقل می کند که «هلوماً» به معنای بخیل است درحالی که در قرن سوم، صنعانی از حسن «هلوماً» را به معنای حریص نقل کرده است. البته باید یادآور شد که «هلو» به معنای بخیل از حسن در قرن سوم توسط ابن سلّام در غریب الحدیث آمده است (ابن سلّام، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۱۶۲). درهرحال معنای حریص با بخیل متفاوت است؛ زیرا بخل مخصوص مال است؛ یعنی انسان نسبت به بخشش مالش بخیل است. اما حرص علاوه بر آن شامل امور معنوی نیز می شود مانند آیه «إِنْ تَحَرَّضَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ» (جزائری، ۱۴۰۷ق، ص ۶۹-۱۱۲) که موجب تعارض این دو روایت شده است. اگر از حسن معنای ماوردی صحیح و رایج بود چرا طبری در شمار روایات خود نیاورده است؟ چگونه این روایت به مفسر قرن پنجم رسیده است، ولی مفسران قرن سوم و چهارم به آن دست نیافته اند؟ همین تعارض بر معنای منقول ماوردی از عکرمة نیز وارد است. در روایت ماوردی از عکرمة «هلوماً» به معنای حریص است درحالی که در روایت طبری از عکرمة «هلوماً» به معنای ضجور (دلتنگ) است. نکته دیگر این که روایت ماوردی فاقد سند و مقطوع و مرسل می باشد.

به طوری که ملاحظه گردید در تفسیر ماوردی، هم معنای جدید برای هلو ع ارائه گردیده و هم گونه گونی در روایات وجود دارد. این مسئله در تفسیر ثعلبی بیشتر می شود. ثعلبی علاوه بر آنچه ماوردی در معنای «هلوماً» آورده بود، سه معنای جدید نیز برای آن بیان می کند. یکی بسیار اندوهگین (حزوناً) از ابن زید و قتاده و دو معنای

شتابزده (عجولاً) و نادان (جهولاً) از عطاء (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۹). این سه معنا جدید است که در تفاسیر قرون قبل و معاصران ثعلبی وجود ندارد. گذشته از این، روایت ثعلبی از قتاده و ابن‌زید با روایت صنعانی از قتاده و طبری از قتاده و ابن‌زید در تعارض است؛ زیرا که معنای روایت طبری و صنعانی از قتاده برای «هلوعاً» بی‌تابی است در حالی که روایت ثعلبی بسیار اندوهگین است. معنای عجول در لسان العرب به نقل از میرد آمده و جهول در منابع لغت برای ماده «ه ل ع» نیامده است. روایات ثعلبی مشکل موقوف، مقطوع و مرسل بودن را نیز دارد.

#### ۵-۴. قرن ششم به بعد

از قرن ششم به بعد مفسران در تفسیر «هلوعاً» غالباً به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه به نقل اقوال پیشینیان پرداخته و تفسیرهای صحابه و تابعان را از «هلوعاً» با نام صحابی یا تابعی و یا بدون نام آن‌ها ذکر کرده‌اند (به عنوان نمونه: رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹، ص ۴۰۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۵۳؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴س، ج ۱۸، ص ۲۸۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۶۶؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۶۵؛ مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۳، ص ۴۳۷).

گروه دوم «هلوعاً» را به شدت حرص و قلت صبر (شدة الحرص و قلة الصبر) معنا کرده‌اند (به عنوان نمونه: میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۱۰، ص ۲۲۸، بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۶۴۳؛ نظام، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۵۸؛ بقاعی، ۱۴۲۸ق، ج ۸، ص ۱۵۰؛ کاشانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۰؛ صافی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۶؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۶۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۱۸؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۷۳۶).

آراء مفسران در معنای هلوع از قرون اولیه تا عصر حاضر ارائه گردید، برخی به اصل معنا و برخی به لوازم معنا توجه داشته‌اند. در این‌جا مناسب است دیدگاه ابن‌عاشور بیان گردد. ایشان معتقد است که: واژه «هلع» یکی از واژگان مبهم زبان عربی است و علما درباره آن بسیار پرس و جو کرده‌اند. ابن‌عاشور سخن ثعلب را آورده که معتقد است دو آیه بعد بهترین تفسیر و معنای «هلوعاً» است و گفته است که این سخن بخشی از سردرگمی لغت‌شناسان را در معنای «هلوعاً» رفع کرده و

آنان را از توضیحات مطوّل و جدید بی‌نیاز نموده است. در عین حال خود ابن عاشور سخن ثعلب را نیز خالی از تسامح نمی‌داند و می‌گوید اگر دو آیه بعدی تفسیر این واژه بود می‌بایست معنای این واژه ترکیبی از معنای دو جمله بعد باشد، در حالی که مشخص است بین معنای دو جمله تلازمی وجود ندارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۱۵۴). ابن عاشور با توجه به بیت شعر عمرو بن معدیکرب که در بخش مخضرمین آمد، می‌گوید اگر هلع همان جزع باشد در این بیت عطف آن به جزع صحیح نیست. حتی اگر به معنی شدیدترین جزع هم باشد عطف نفی آن بر نفی جزع حشو است (همان). وی تحلیل خود را این‌گونه بیان می‌کند: آنچه من در کاربردهای هلع بدان دست یافتم این است که هلع قلت امساک، هنگام سیطره اندوه یا خوشحالی و یا انتظار آن دو و یا ترسیدن از آن‌هاست و جزع از آثار هلع است (همان).

سخن ابن عاشور حکایت از آن دارد که دیدگاه‌های مفسران پیشین با توجه به کثرت آراء، وی را قانع نکرده است و وی را واداشته تا ضمن ابراز مبهم بودن معنای این واژه به توضیح آن پردازد و معنای قلت امساک یا کمی خویشتن داری را بیاورد؛ صفتی که به هنگام جزع، حرص، ضجر، فخر و ... بروز می‌کند و موجب می‌شود شخص رفتاری شتابزده داشته باشد. به نظر می‌آید سیاق آیات نیز این معنا را تایید می‌نماید.

گرچه ابن عاشور با مسامحه با سخن ثعلب برخورد کرد ولی علامه طباطبایی بدون ذکر نام کسی، آن را پذیرفته و می‌گوید «هلوعاً» را دو آیه بعد تفسیر می‌کند و این وجه بسیار خوبی است که با سیاق سازگاری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ص ۱۸). علامه طباطبایی در تأیید معنای مورد نظر علاوه بر سیاق، اعتبار عقلی را نیز دلیل بر آن دانسته است. وی می‌گوید هلوع کسی است که بر اساس حرص ذاتی‌اش بر هر چیزی، خیر و شر، یا نافع و مضر حریص نیست، بلکه تنها حریص بر چیزهای نافع است، آن هم بر خیر و نفعی که برای خودش باشد و لازمه‌اش این است که در برخورد با شر مضطرب گردد، از این جهت که شر خلاف خیر است. از این رو لازمه این حرص آن است که وقتی به خیری برسد خود را بر دیگران مقدم می‌دارد و از دادن به دیگران امتناع می‌ورزد، مگر در جایی که در قبال دهش، عطایی بگیرد. بنابراین جزع در هنگام مواجهه با شر و منع از خیر در هنگام رسیدن به آن

از لوازم هلع و شدت حرص است (همان). با توضیح علامه جزع از لوازم معنای هلع و حرص است. به عبارت دیگر علامه «هلوع» را به معنای حریص دانسته است نه به معنای بی‌شکیب و جزع را از لوازم حرص گرفته است. این درحالی است که بر اساس معنایی که ابن‌عاشور آورده بود، جزوع و منوع بودن انسان از مصادیق صفت کلی هلع به شمار می‌روند.

سیر تاریخی معنای «هلوع» در تفاسیر ارائه گردید. در ادامه ترجمه‌های این واژه خواهد آمد تا میزان اثرپذیری مترجمان از مفسران در ترجمه و معنای این واژه مشخص گردد.

#### جدول شماره ۱: ترجمه‌های فارسی

معنا	مترجم
حریص و کم‌طاقت	آدینه‌وند
حریص و ناشکیبا	آیتی
حریص	ارفع
سخت‌حریص و بی‌صبر	الهی قمشه‌ای
حریص و بی‌تاب	انصاریان
آزمند	برزی
حریص	بروجردی
کم‌طاقت	پور جوادی
حریص و کم‌طاقت	حجتی
آزمند و کم‌طاقت	رضایی
ناشکیبا	رهنما
حریص (بر جمع مال)	سراج
بسیار حریص	شعرانی
آزمند و حریص	صفوی
بسیار حریص	صفی‌علی‌شاه
ناشکیب	صلواتی
ناشکیبا [و کم‌ظرفیت]	طاهری
آزمند و ناشکیب	عاملی

ناشکیبا	فارسی
سخت آزمند [و بی تاب]	فولادوند
بسیار حریص و عجول و کم صبر و کم طاقت	کاویانپور
آزمندی بی شکیب	گرمارودی
بسیار آزمند	مرکز فرهنگ و معارف قرآن
به‌غایت حریص و کم طاقت	مشکینی
بسیار حریص	مصباح زاده
آزمند	معزی
حریص و کم طاقت	مکارم
بسیار حریص	یاسری
ناشکیننده	دهلوی
زود زاری کننده	قرن دهم هجری
دشکیو (ناشکیبا)، آزور (حریص)، نالنده، شتاب کننده، تنگدل، زاری کننده، زود زاری کننده	فرهنگنامه قرآنی

## جدول شماره ۲: ترجمه های انگلیسی

معنا	نام مترجم
hasty temperament دارای خلق و خوی عجولانه	شاکر
restless بی تاب	ایروینگ
very greedy and Impatient creature موجودی بسیار حریص و بی تاب	صفارزاده
Covetous حریص	قرایی
Anxious مضطرب	پیکتال
greedy حریص	سرور
worrisome/ frightened وحشت زده/غمگین	محمد و سمیرا
anxious مضطرب	مسلمانان مترقی
very impatient بسیار بی تاب	یوسف علی
Fretful بی تاب	آزبری

## ۶. تحلیل ترجمه‌های فارسی

به طوری که ملاحظه گردید در ترجمه‌های فارسی سه معنا برای هلوع به طور گسترده آمده بود. **گروه اول** که عبارتند از: ارفع، برزی، بروجردی، سراج، شعرانی، صفی‌علی‌شاه، مرکز فرهنگ و معارف، مصباح‌زاده، معزی و یاسری «هلوعاً» را حریص معنا کرده‌اند. این گروه یا از منابع لغت متأثر شده‌اند یا از روایات. دیدیم که در منابع لغت و در روایات، معانی دیگر نیز برای «هلوعاً» آمده است، اما علت معنای مختار این گروه مشخص نیست! **گروه دوم** بر خلاف گروه اول «هلوعاً» را به معنای بی‌تاب (ناشکیب) معنا کرده‌اند که عبارتند از: پورجوادی، رهنما، صلواتی، طاهری، فارسی و دهلوی. آنچه درباره گروه اول گفته شد در این جا نیز صادق است و علت انتخاب معنای مختار این گروه نیز مشخص نیست! **گروه سوم** که عبارتند از: آدینه‌وند، آیتی، الهی قمش‌های، انصاریان، حجتی، رضایی، عاملی، فولادوند، مشکینی، گرمارودی و مکارم، «هلوعاً» را به دو معنای حریص و بی‌تاب معنا کرده‌اند. دسته اخیر بر خلاف دو گروه قبل هر دو معنا را آورده‌اند و این نشان می‌دهد با توجه به وجود هر دو معنا در منابع لغت، نتوانسته‌اند یکی را انتخاب و نیز بین روایات وارده یکی را ترجیح دهند؛ از این رو هر دو را ذکر کرده‌اند. البته فولادوند معنای اصلی را حریص دانسته و بی‌تاب را در پراکنش آورده که نشان می‌دهد قول مختارش حریص بوده است ولی در عین حال تردیدی نیز داشته که بی‌تاب را در پراکنش ذکر کرده است. ترجمه قرن دهم هجری «هلوعاً» را به زود زاری کننده معنا کرده است. این معنا هیچ مؤید لغوی و روایی ندارد. در ترجمه کاویانپور، معنای عجول آمده که در هیچ ترجمه دیگری نیامده و ظاهراً متأثر از تفاسیری است که این معنا را با قول ضعیف «قیل» آورده‌اند و یا متأثر از ابن‌منظور است که انسان هلوع را به نقل از مبرد به معنای شتابزده در برابر خیر و شر دانسته بود. به هر حال این اختلاف در بین مترجمان در معنای «هلوعاً» مشاهده می‌شود؛ اختلافاتی که در ترجمه‌های کهن نیز وجود دارد.

## ۷. تحلیل ترجمه‌های انگلیسی

مترجمان انگلیسی نیز مانند مترجمان فارسی دیدگاه واحدی در معنای «هلوعاً» نداشته بلکه نسبت به مترجمان فارسی اختلاف نظر بیشتری در معنای این واژه

دارند. برخی مانند ایروینگ، یوسف علی و آربری «هلوعاً» را بی‌تاب، عده‌ای مانند سرور و قرائی «هلوعاً» را حریص و صفارزاده حریص بی‌تاب معنا کرده است. این تنوع سه گانه در ترجمه را در ترجمه‌های فارسی نیز شاهد بودیم. در ترجمه انگلیسی شاکر، «هلوعاً» به عجولاً معنا شده است. این معنا در تفاسیر با قول ضعیف بیان شده و ابن‌منظور نیز از قول مبرّد به آن اشاره نموده است و به طوری که ملاحظه گردید از مترجمان فارسی به غیر از کاویانپور کسی دیگر آن را نیاورده بود. مسلمانان مترقی و پیکتال «هلوعاً» را مضطرب ترجمه کرده‌اند. شاید مضطرب را بتوان با تسامح مترادف بی‌تاب، و یا از لوازم یا آثار بی‌تابی دانست که در برخی لغت‌نامه‌ها ذکر شده است. وحشت‌زده در ترجمه‌ی محمد و سمیرا هیچ مستندی ندارد و اما ترجمه‌ی غمگین، گرچه لغت‌شناسان این معنا را نیاورده‌اند؛ اما تنها ثعلبی به نقل از ابن‌زید و قتاده معنای بسیار اندوهگین (حزوناً) آورده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۹) و همچنین «هَلَع» در *لسان العرب* به عنوان واژه‌ای تمیمی به معنای اندوه ذکر شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۷۵).

ملاحظه گردید که در ترجمه‌های انگلیسی اختلاف در معنای «هلوعاً» بیشتر است. ترجمه‌های انگلیسی که به دیدگاه مفسران اسلامی نزدیک نیست، مشخص نیست بر چه اساسی این معانی را ارائه داده‌اند. حریص و بی‌تاب یا هر دو در روایات یا منابع لغت آمده است؛ اما بقیه معانی به نوعی استنباط شخص مترجم است که به احتمال زیاد، برداشت ناصحیح از معانی رایج در منابع اسلامی است. این تنوع معنای خواننده را در معنای صحیح «هلوعاً» راهنمایی نمی‌کند و موجب تردید در معنای ارائه شده می‌شود. به هر حال اختلاف معنای «هلوعاً» در تفاسیر قرون مختلف به ترجمه‌های فارسی و انگلیسی نیز کشیده شده که ما به برخی از آنان اشاره کردیم.

### • جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی واژه قرآنی «هلوعاً» در آیه ۱۹ سوره معارج دریافتیم که مفسران و سپس مترجمان فارسی و انگلیسی معانی متعددی از آن ارائه داده‌اند، معانی حریص، بی‌تاب، سخت بی‌تاب، بی‌قرار از اندوه، متکبر، ضعیف، اندوهگین، بخیل، عجول،

جهول، بی‌ثبات به هنگام جنبش غرایز و پیروی از هوس‌ها و یا اینکه آن را با مضمون دو آیه‌ی بعد ترجمه و تفسیر نموده‌اند.

نگارنده با استناد به برخی منابع لغت، تحلیلی که ابن‌عاشور و تستری از این واژه آورده‌اند و با توجه به سیاق آیات، معنای عدم کنترل احساسات و رفتارها را برای این واژه پذیرفته است که موجب شتابزدگی در تصمیم‌گیری می‌شود و معانی دیگر را نیز در خود جمع نموده است.

۱. در منابع لغت: ابن‌فارس برای آن یک اصل قائل است که دلالت بر شتاب و تند و تیزی دارد. همچنین ابن‌منظور به نقل از مبرد هلوع را انسانی دانسته که در زمان خیر و شر بدون درک راه حق و صواب، شتابزده عمل می‌کند. به این معنا که انسان در چنین زمان‌هایی توان مهار احساسات و رفتارهای خود را ندارد و بی‌درنگ و شتابزده عکس‌العمل نشان می‌دهد. حتی معنای خالی بودن انسان از منبع قوت که حسن جبل آورده با این معنا در ارتباط است. انسانی که توان کنترل احساسات و رفتارهای خود را ندارد و شتابزده عمل می‌کند، مشخص است که از نیروی یاریگر درونی برخوردار نبوده و به منبعی قوی متصل نیست.

۲. سخن ابن‌عاشور نیز که در کاربردهای هلع در یافته است، تایید این معناست؛ معنای آن قلت امساک نفس به هنگام چیرگی اموری است که موجب اندوه یا خوشحالی می‌شود و انسان از آن هراسناک می‌گردد. به اعتقاد ابن‌عاشور این معنا تمام معانی دیگر هلع یعنی حرص، دلتنگی، بخل، ترس و... را در خود جمع نموده است و این که انسان هلوع آفریده شده به این معناست که این ویژگی مانند دیگر طبایع با آفرینش انسان در سرشت وی بوده و به محض احساس سود یا زیان بروز می‌کند. سخن تستری یعنی «مقلِّباً فی حرکات الشهوات و اتِّباع الهوی»؛ بی‌ثبات به هنگام جنبش غرایز و پیروی از هوس‌ها هم صفت انسانی است که خویشتن‌دار نیست و با هر عامل محرکی عکس‌العمل شتابزده نشان می‌دهد.

۳. بر اساس سیاق آیات انسان طوری آفریده شده که هنگام چیرگی امور خیر و شرّ با عدم خویشتن‌داری، باشتاب و بدون در نظر گرفتن فرجام کار، رفتارهایی را بروز می‌دهد که در نهایت به زیان اوست و عاقبت نیکو ندارد. نمونه‌ای از این عدم

خویشتن‌داری که بی‌تابی و حرص است در دو آیه بعدی ذکر شده است. اما دسته‌ای عاقبت‌اندیش که به منبعی لایزال متصل‌اند از این قاعده مستثنا شده‌اند و آنان نمازگزارانی هستند که بر نمازشان پایداری می‌کنند و در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است، کسانی که روز جزا را باور دارند، آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را مراعات می‌کنند و آنان که بر شهادت‌های خود ایستاده‌اند.

نکته پایانی اینکه، در ترجمه اشعار جاهلی که در صفحات پیشین ارائه گردید واژه هلوع، بی‌تاب یا حریص معنی شد در حالی که هیچ دلالت صریحی بر این دو معنی وجود ندارد و شارحان این اشعار بر اساس فرهنگ‌های لغت متأخر، این‌گونه ترجمه نموده‌اند و دیگران نیز به تبع آن همین‌گونه عمل نموده‌اند. به نظر می‌آید با توجه به آنچه گذشت این واژه در اشعار جاهلی و مخضرم و دیگر متون نیز باید به معنی عدم خویشتن‌داری و شتابزدگی در ابراز احساسات و رفتار باشد که انسان در این حالت قادر به تشخیص خیر و صلاح خویش از شر و باطل نیست.

## منابع:

### • قرآن کریم

۱. آدینه‌وند لرستانی، محمد رضا (۱۳۹۳ش). *کلمة الله العلیا، ترجمه، تجزیه و ترکیب کلام الله*، تهران: اسوه.
۲. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن*، تهران: سروش.
۳. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: طیب، اسعد محمد، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز.
۴. ابن‌أبي طالب، علي (منسوب) (۱۴۲۶ق). *دیوان الشعر*، تحقیق: عبدالرحمن المصطاوي، بیروت: دارالمعرفة.
۵. ابن‌الأسلت، أبوقیس صیفي (۱۳۹۱ق). *دیوان الشعر*، تحقیق: حسن محمد باجوده، القاهرة: دار التراث.
۶. ابن‌علس، المسیب (۱۴۲۳ق). *دیوان الشعر*، تحقیق: عبدالرحمن محمد الوصیفي، القاهرة: مکتبة الآداب.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الكتاب العربي.

۸. ابن درید، ابوبکر محمدبن الحسن الأزدي (۱۹۸۷م). **جمهرة اللغة**، تحقیق رمزي منير بعلبكي، بيروت: دار العلم للملايين.
۹. ابن سلام، ابو عبید قاسم (۱۳۸۴ق). **غريب الحديث**، حیدرآباد: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية.
۱۰. ابن سليمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). **تفسير مقاتل بن سليمان**، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). **التحرير و التنوير**، بيروت: موسسه التاريخ العربی.
۱۲. ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بيروت: مكتب الإعلام الإسلامی.
۱۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق). **تفسير غريب القرآن**، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). **روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن**، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. ابو عبیده، معمر بن مشن (۱۳۸۱ق). **مجاز القرآن**، قاهرة: مكتبة الخانجي.
۱۷. ارفع، كاظم (۱۳۸۵ش). **ترجمه قرآن**، تهران: فیض کاشانی.
۱۸. الهی قمشهای، مهدی (۱۳۹۹ش). **ترجمه قرآن**، قم: آوای ماندگار.
۱۹. انصاریان، حسین (۱۳۹۳). **ترجمه قرآن کریم**، تهران: تلاوت.
۲۰. برزی، اصغر (۱۳۸۲ش). **ترجمه قرآن**، تهران: بنیاد قرآن.
۲۱. بروجرودی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶). **ترجمه قرآن**، تهران: کتابخانه صدر.
۲۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). **معالم التنزیل**، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). **نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور**، تحقیق: مهدی، عبدالرزاق غالب، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). **انوار التنزیل و اسرار التاویل**، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. پورجوادی، كاظم (۱۳۷۵ش). **ترجمه قرآن**، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۶. تأبط شرا (۱۴۰۴ق). **دیوان الشعر**، تحقیق: علی ذوالفقار شاکر، بيروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۷. **ترجمه قرآن قرن دهم** (۱۳۸۳ش). مترجم ناشناس، تصحیح علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۸. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). **تفسير التستری**، تحقیق: عیون سود و محمد باسل، بيروت: دار الكتب العلمية.

۲۹. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. جبل، محمد حسن حسن (۲۰۱۰م). *المعجم الاشتقاقی المؤصل ببيان العلاقات بين ألفاظ القرآن الكريم بأصواتها و بین معانیها*، القاهرة: مكتبة الآداب.
۳۱. جزائری، نورالدین بن نعمت الله (۱۴۰۷ق). *فروق اللغات في التمييز بين مفاد الكلمات*، تحقیق: محمد رضوان الداية، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية.
۳۲. حجتی، مهدی (۱۳۸۴). *گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)*، قم: بخشایش.
۳۳. خسروانی شریعتی، محمود و همکاران (۱۳۷۴ش). *فرهنگنامه قرآنی: فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی*، مشهد: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۴. دهلوی، شاه ولی الله احمد بن عبدالرحیم (۱۳۹۴ش). *ترجمه قرآن*، تهران: احسان.
۳۵. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق). *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۶. راغب الإصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دار القلم والدار الشامیة.
۳۷. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران (۱۳۸۳ش). *ترجمه قرآن*، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۳۸. رهنما، زین العابدین (۱۳۵۴ش). *ترجمه قرآن*، تهران: سازمان اوقاف.
۳۹. الرُّبَيْدِيُّ، عَمْرُو بْنُ مَعْدِي كَرِب (۱۴۰۵ق). *ديوان الشعر*، تحقیق مطاع الطراييشی، دمشق: مجمع اللغة العربية.
۴۰. زحيلي، وهبة بن مصطفى الزحيلي (۱۴۲۲ق). *التفسير الوسيط*، دمشق: دار الفكر.
۴۱. سراج، رضا (۱۳۹۰ق). *ترجمه قرآن*، تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
۴۲. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، تحقیق: عمروی، عمر، بیروت: دار الفكر.
۴۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه نجفی.
۴۴. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ش). *قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۴۵. صاحب بن عباد، إسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، تحقیق / تصحیح: آل یاسین، محمد حسن، بیروت: عالم الكتاب.
۴۶. صفارزاده، طاهره (۱۳۹۴ش). *ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن*، قم: اسوه.
۴۷. صفوی، سید محمد رضا (۱۳۸۸ش). *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف.

۴۸. صفی علی‌شاه، حسن (۱۳۷۸ش). *تفسیر صفی*، تهران: منوچهری.
۴۹. صلواتی، محمود (۱۳۸۷ش). *ترجمه قرآن*، تهران: مبارک.
۵۰. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق). *تفسیر القرآن العزیز*، بیروت: دار المعرفة.
۵۱. طاهری قزوینی، علی‌اکبر (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*، تهران: انتشارات قلم.
۵۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۳. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اريد: دار الكتاب الثقافي.
۵۴. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۵۵. عاملی، ابراهیم (۱۳۵۹ش). *تفسیر عاملی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۵۶. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۹ش). *ترجمه قرآن*، تهران: انجام کتاب.
۵۷. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۸. فراء نحوی، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). *معانی القرآن*، قاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۵۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۶۰. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۷۶ش). *ترجمه قرآن*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۶۱. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۶۲. فیومی، أحمدبن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۶۳. قاسمی، محمد جمال‌الدین بن محمد (۱۴۱۸ق). *محاسن التأویل*، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶۴. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۶۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). *تفسیر القمی*، تحقیق: موسوی جزایری، طیب، قم: دار الكتاب.
۶۶. قمی نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد (بی تا). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: عمیرات زکریا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا). *منهج الصادقین فی إلیزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۶۸. کافی موسوی، اباذر (۱۴۰۲). نقش ارتکاز در نادیده انگاری معنای اصلی واژگان، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۰(۳)، صص ۱۱۵-۱۳۵.

۶۹. کاویان پور، احمد (۱۳۷۸ش). *ترجمه قرآن، تهران: اقبال.*
۷۰. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، تحقیق: باسلوم مجدی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷۱. ماوردی، علی بن محمد (بی تا). *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، مراجعه و تعلیق: عبدالرحیم، سید بن عبدالمقصود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۵ش). *ترجمه قرآن*، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۷۳. مشکینی، علی (۱۳۸۱ش). *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات الهدای.
۷۴. مصباح زاده، عباس (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*، تهران: بدرقه جاویدان.
۷۵. مصطفوی، سید حسن (بی تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۷۶. مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*، پاکستان: مکتبة رشدیة.
۷۷. معزی، محمد کاظم (۱۳۷۲ش). *ترجمه قرآن*، قم: اسوه.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش). *ترجمه قرآن*، قم: دار القرآن الکریم.
۷۹. موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۸۴ش). *ترجمه قرآن*، تهران: قدیانی.
۸۰. میبیدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش). *کشف الاسرار و عدّة الابرار*، تهران: امیر کبیر.
۸۱. نووی الجاوی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق). *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، تحقیق: محمد امین الصناوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۸۲. یاسری، محمود (۱۴۱۵ق). *ترجمه و خلاصه تفسیر*. قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع).
83. Ahmed Muhammad and Samira (1994). *The Koran, Complete Dictionary and Literal Translation*. Canada: Vancouver.
84. Ali, Abdullah Yusuf (1934). *The Holy Qurān: English Translation & Commentary (With Arabic Text)*. Lahore: Shaikh Muhammad Ashraf.
85. Arthur John Arberry (1955). *The Koran Interpreted*. London: Allen & Unwin.
86. Irving, T.B. (Al-Hajj Ta'lim Ali) (1985). *The Qur'an Translation and Commentary*. Vermont: Amana Books.
87. Pickthall, M (2011). *The Meaning of the Glorious Koran, New Modern English Edition with brief explanatory notes and Index of subjects*. Published by IDCI.

88. progressive Muslims. (2008). *The Message, A Translation of the Glorious Qur'an*. Brainbow Press.
89. Qarai, A. (2019). *The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation*. Independently published.
90. Sarwar, M. (2011). *The Holy Qur'an: The Arabic Text and English Translation*. e-book.
91. Shakir, M. H. (2001). *The holy quran: arabic text and english translation*. Worldwide Organization For Islamic Services (WOFIS).



## Resources

- The Holy Quran
- 1. Adinehvand Lorestani, Mohammad Reza (1393 SH). *Kalimat Allah al-'Ulya: Translation, Parsing, and Analysis of Kalam Allah*. Tehran: Osveh. (In Persian)
- 2. Ayati, Abdolmohammad (1374 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- 3. Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1419 AH). *Tafsir al-Quran al-Azim*. Ed. As'ad Muhammad Tayyib. Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. (In Arabic)
- 4. Ibn Abi Talib, Ali (1426 AH). *Diwan al-Shi'r (Poetry Collection)*. Ed. Abd al-Rahman al-Mustawi. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabic)
- 5. Ibn al-Aslat, Abu Qays Sayfi (1391 AH). *Diwan al-Shi'r*. Ed. Hasan Muhammad Bajouda. Cairo: Dar al-Turath. (In Arabic)
- 6. Ibn 'Als, al-Masayyib (1423 AH). *Diwan al-Shi'r*. Ed. Abd al-Rahman Muhammad al-Wasifi. Cairo: Maktabat al-Aadab. (In Arabic)
- 7. Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman ibn Ali (1422 AH). *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir*. Ed. Abd al-Razzaq al-Mahdi. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Arabic)
- 8. Ibn Durayd, Abu Bakr Muhammad ibn al-Hasan al-Azdi (1987). *Jamharat al-Lugha*. Ed. Ramzi Munir Baalbaki. Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malayin. (In Arabic)
- 9. Ibn Salam, Abu Ubayd al-Qasim (1384 AH). *Gharib al-Hadith*. Hyderabad: Wizarat al-Ma'arif. (In Arabic)
- 10. Ibn Sulayman, Muqatil (1423 AH). *Tafsir Muqatil ibn Sulayman*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
- 11. Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420 AH). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi. (In Arabic)
- 12. Ibn Faris, Ahmad (1404 AH). *Maqayis al-Lugha*. Ed. Abd al-Salam Muhammad Harun. Beirut: Maktab al-'Ilm al-Islami. (In Arabic)
- 13. Ibn Qutayba, Abd Allah ibn Muslim (1411 AH). *Tafsir Gharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Hilal. (In Arabic)
- 14. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)

15. Abu al-Futuh al-Razi, Husayn ibn Ali (1408 AH). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*. Eds. Muhammad Mahdi Nasih & Muhammad Ja'far Yahaqqi. Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Arabic)
16. Abu Ubayda, Ma'mar ibn Muthanna (1381 AH). *Majaz al-Quran*. Cairo: Maktabat al-Khanji. (In Arabic)
17. Arfa', Kazem (1385 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Feyz -e- Kashani. (In Persian)
18. Elahi Qomshe'i, Mahdi (1399 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Avaye Mandegar. (In Persian)
19. Ansariyan, Hussein (1393 SH). *Translation of the Noble Quran*. Tehran: Tilawat. (In Persian)
20. Barzi, Asghar (1382 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Bonyad-e Quran. (In Persian)
21. Borujerdi, Mohammad Ebrahim (1366 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Ketabkhaneh Sadr. (In Persian)
22. Al-Baghawi, Husayn ibn Mas'ud (1420 AH). *Ma'alim al-Tanzil*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
23. Al-Biqai'i, Ibrahim ibn Umar (1427 AH). *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar*. Ed. Abd al-Razzaq Ghalib. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
24. Al-Baydawi, Abd Allah ibn Umar (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*. Ed. Muhammad Abd al-Rahman al-Mar'ashli. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
25. Purjavadi, Kazem (1375 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Bonyad-e Dā'irat al-Ma'arif Islami. (In Persian)
26. Ta'abbata Sharran (1404 AH). *Diwan al-Shi'r*. Ed. Ali Dhulfiqar Shakir. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. (In Arabic)
27. *10th-Century Quran Translation* (1383 SH). Anonymous. Ed. Ali Rawaqi. Tehran: Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi. (In Persian)
28. Al-Tustari, Sahl ibn Abd Allah (1423 AH). *Tafsir al-Tustari*. Ed. Muhammad Basil 'Uyun al-Sud. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
29. Al-Tha'labi, Ahmad ibn Muhammad (1422 AH). *Al-Kashf wa al-Bayan (Tafsir al-Tha'labi)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
30. Jabal, Muhammad Hasan Hasan (2010). *Al-Mu'jam al-Ishtiqaqi al-Mu'assal*. Cairo: Maktabat al-Adab. (In Arabic)

31. Al-Jaza'iri, Nur al-Din ibn Ni'mat Allah (1407 AH). *Furuq al-Lughat fi al-Tamyiz bayn Mafad al-Kalimat*. Ed. Muhammad Ridwan al-Daya. Damascus: Iranian Cultural Chancellery. (In Arabic)
32. Hojjati, Mahdi (1384 SH). *Goli az Bustan-e Khoda (Quran Translation)*. Qom: Bakhshayesh. (In Persian)
33. Khosravani Shar'iati, Mahmoud et al. (1374 SH). *Farhangnameh-ye Qur'ani: A Dictionary of Persian Quranic Equivalents*. Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Persian)
34. Dehlawi, Shah Waliullah Ahmad ibn Abd al-Rahim (1394 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Ehsan. (In Persian)
35. Al-Dinawari, Abd Allah ibn Muhammad (1424 AH). *Tafsir Ibn Wahb (Al-Wadih fi Tafsir al-Quran al-Karim)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
36. Al-Raghib al-Isfahani, Abu al-Qasim Husayn ibn Muhammad (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Ed. Safwan Adnan Dawudi. Beirut: Dar al-Qalam / al-Dar al-Shamiyya. (In Arabic)
37. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali et al. (1383 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Dar al-Dhikr Institute. (In Persian)
38. Rahnama, Zayn al-Abidin (1354 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Awqaf Organization. (In Persian)
39. Al-Zubaydi, Amr ibn Ma'di Karib (1405 AH). *Diwan al-Shi'r*. Ed. Mu'ta al-Tarabulsi. Damascus: Arabic Language Academy. (In Arabic)
40. Al-Zuhayli, Wahba ibn Mustafa (1422 AH). *Al-Tafsir al-Wasit*. Damascus: Dar al-Fikr. (In Arabic)
41. Seraj, Reza (1390 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: University Press. (In Persian)
42. Samarqandi, Nasr ibn Muhammad (1416 AH). *Bahr al-Ulum (Tafsir al-Samarqandi)*. Ed. Umar Amiri. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
43. Safavi, Seyyed Mohammad Reza (1388 SH). *Quran Translation Based on Al-Mizan*. Qom: Daftar-e Nashr-e Ma'arif. (In Persian)
44. Safi Ali Shah, Hasan (1378 SH). *Tafsir Safi*. Tehran: Manouchehri. (In Persian)
45. Salavati, Mahmoud (1387 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Mobarak. (In Persian)
46. San'ani, Abd al-Razzaq ibn Hammam (1411 AH). *Tafsir al-Quran al-Aziz*. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabic)

47. Al-Suyuti, Jalal al-Din (1404 AH). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur*. Qom: Najafi Library. (In Arabic)
48. Sha'rani, Abolhasan (1374 SH). *The Holy Quran with Persian Translation and Surah Benefits*. Tehran: Islamiyah Bookstore. (In Persian)
49. Sahib ibn Abbad, Ismail (1414 AH). *Al-Muhit fi al-Lugha*. Ed. Muhammad Hasan Al Yasin. Beirut: Alam al-Kutub. (In Arabic)
50. Saffarzadeh, Tahereh (1394 SH). *Persian & English Quran Translation*. Qom: Osveh. (In Persian & English)
51. Taheri Qazvini, Ali Akbar (1380 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Ghalam Publications. (In Persian)
52. Tabatabai, Muhammad Husayn (1374 SH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Persian Trans. by Mousavi). Qom: Jame'e Modarresin. (In Persian)
53. Al-Tabarani, Sulayman ibn Ahmad (2008). *Al-Tafsir al-Kabir*. Irbid: Dar al-Kitab al-Thaqafi. (In Arabic)
54. Al-Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabic)
55. Al-Amili, Ibrahim (1359 SH). *Tafsir al-Amili*. Ed. Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Saduq. (In Persian)
56. Farsi, Jalaluddin (1369 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Anjam-e Ketab. (In Persian)
57. Al-Razi, Fakhr al-Din Muhammad ibn Umar (1420 AH). *Mafatih al-Ghayb (Al-Tafsir al-Kabir)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
58. Al-Farra' al-Nahwi, Yahya ibn Ziyad (1980). *Ma'ani al-Quran*. Cairo: Egyptian General Book Organization. (In Arabic)
59. Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1409 AH). *Kitab al-Ayn*. Qom: Hijra Publishing. (In Arabic)
60. Fooladvand, Mohammad Mehdi (1376 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Daftar-e Motale'at-e Tarikh va Ma'arif-e Islami. (In Persian)
61. Al-Fayd al-Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1415 AH). *Al-Safi fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Sadra Library. (In Arabic)
62. Al-Fayumi, Ahmad ibn Muhammad (1414 AH). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir*. Qom: Dar al-Hijra. (In Arabic)

63. Al-Qasimi, Muhammad Jamal al-Din ibn Muhammad (1418 AH). *Mahasin al-Ta'wil*. Ed. Muhammad Basil 'Uyun al-Sud. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
64. Al-Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 SH). *Al-Jami' li Ahkam al-Quran*. Tehran: Nasir Khosrow. (In Arabic)
65. Al-Qummi, Ali ibn Ibrahim (1363 SH). *Tafsir al-Qummi*. Ed. Tayyib al-Mousawi al-Jaza'iri. Qom: Dar al-Kitab. (In Arabic)
66. Al-Qummi al-Nishaburi, Nizam al-Din Hasan ibn Muhammad (n.d.). *Ghara'ib al-Quran wa Ragh'a'ib al-Furqan*. Ed. Zakariya Umayrat. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
67. Kashani, Fath Allah ibn Shukr Allah (n.d.). *Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin*. Tehran: Islamiyah Bookstore. (In Persian)
68. kafimosavi, A. (2023). The role of concentration in ignoring the original meaning of words Abazar Kafi Mousavi. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 20(3), 115-140. doi: 10.22051/tqh.2023.41893.3710 (In Persian)
69. Kavianpour, Ahmad (1378 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Eqbal. (In Persian)
70. Al-Maturidi, Muhammad ibn Muhammad (1426 AH). *Ta'wilat Ahl al-Sunna (Tafsir al-Maturidi)*. Ed. Baslum Majdi. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
71. Al-Mawardi, Ali ibn Muhammad (n.d.). *Al-Nukat wa al-Uyun (Tafsir al-Mawardi)*. Ed. Sayyid Abd al-Maqsud Abd al-Rahim. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
72. Quranic Culture & Ma'arif Center (1385 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Bustan-e Ketab. (In Persian)
73. Meshkini, Ali (1381 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Al-Hadi Publications. (In Persian)
74. Mesbahzadeh, Abbas (1380 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Badraqueh-e Javidan. (In Persian)
75. Al-Mustafawi, Sayyid Hasan (n.d.). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Tehran: Ministry of Culture & Islamic Guidance. (In Arabic)
76. Al-Mudhahiri, Muhammad Thanallah (1412 AH). *Al-Tafsir al-Mudhahiri*. Pakistan: Maktabat Rashdiyya. (In Arabic)
77. Mo'zzi, Mohammad Kazem (1372 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Osveh. (In Persian)

78. Makarem Shirazi, Nasser (1373 SH). *Translation of the Quran*. Qom: Dar al-Quran al-Karim. (In Persian)
79. Mousavi Garmaroudi, Seyyed Ali (1384 SH). *Translation of the Quran*. Tehran: Qadyani. (In Persian)
80. Al-Maybudi, Rashid al-Din Ahmad ibn Abi Sa'd (1371 SH). *Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
81. Al-Nawawi al-Jawi, Muhammad ibn Umar (1417 AH). *Marah Labid li Kashf Ma'na al-Quran al-Majid*. Ed. Muhammad Amin al-Sanawi. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
82. Yaseri, Mahmoud (1415 AH). *Translation & Summary of Tafsir*. Qom: Imam Mahdi Cultural Foundation. (In Persian)
83. Ahmed Muhammad and Samira (1994). *The Koran, Complete Dictionary and Literal Translation*. Canada: Vancouver. (In English)
84. Ali, Abdullah Yusuf (1934). *The Holy Qurān: English Translation & Commentary* (With Arabic Text). Lahore: Shaikh Muhammad Ashraf. (In English)
85. Arthur John Arberry (1955). *The Koran Interpreted*. London: Allen & Unwin. (In English)
86. Irving, T.B. (Al-Hajj Ta'lim Ali) (1985). *The Qur'an Translation and Commentary*. Vermont: Amana Books. (In English)
87. Pickthall, M (2011). *The Meaning of the Glorious Koran, New Modern English Edition with brief explanatory notes and Index of subjects*. Published by IDCI. (In English)
88. progressive Muslims. (2008). *The Message, A Translation of the Glorious Qur'an*. Brainbow Press. (In English)
89. Qarai, A. (2019). *The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation*. Independently published. (In English)
90. Sarwar, M. (2011). *The Holy Qur'an: The Arabic Text and English Translation*. e-book. (In English)
91. Shakir, M. H. (2001). *The holy quran: arabic text and english translation*. Worldwide Organization for Islamic Services (WOFIS). (In English).